

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. خداوند متعال، در کلامی گویا، هویت اصلی و مقوم ذاتی دعوت پیامبر را «بصیرت» می‌داند:

«قل هذه سبيلي ادعو الى الله على بصيرة انا و من اتبعني» (یوسف/۱۰۸).

دینداری ای که بر این مبنا نباشد، ارزشی ندارد و خاندان نور، چنین دینداری را «کحمار الطاحونة» شناسانده‌اند. (تخصاص، ص ۲۴۵)

این است امتیاز بزرگ دین بر غیر آن. و این است امتیاز اسلام بر ادیان دیگر. و این است راز هویت انسان و امتیازش بر دیگر آفریدگان.

۲. مهم‌ترین عامل تفاوت میان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام با دیگر مکاتب اهل قبله، پاسداشت همین آموزه آسمانی قرآن است که با عنوان‌هایی مانند: تفقه، تدبر، استدلال، حکمت از آن سخن گفته‌اند و در عمل بدان فرا خوانده‌اند.

درست در همان زمانی که دیگران اعلام کردند پرسش در باب دین، بدعت و حرام است، می‌بینیم که امیرمؤمنان علیه‌السلام ندای «سلونی قبل ان تفقدونی» بر می‌آورد.

دقیقا در همان روزهای صدر اسلام که یک غیر مسلمان - در باب نخستین آموزه قرآنی یعنی توحید- جرأت سؤال ندارد، در خانه اعلم امت بر روی تمام مشتاقان گشوده است. شاهد صدق آن، گزارشهایی که در طول تاریخ به دست ما رسیده و «کتاب الاحتجاج» ها را پدید آورده است.

چرا چنین نباشد؟ مگر آن بزرگ، «باب مدینه علم النبی» نیست؟

۳. دقائق و ظرائف پیچیده در کلمات محدود مصحف الهی، همواره یکی از عرصه‌های هم‌آوردی خاندان نور با مدعیان بوده و هست.

امام سجاد صلوات الله علیه در دعای ۴۲ صحیفه می‌فرماید:

«اللهم انک انزلته علی نبیک محمد ﷺ مجملاً، و الهمته علم عجائبه مکملاً، و ورثتنا علمه مفسراً، و فضلنا علی من جهل علمه، و قویتنا علیه لترفعنا فوق من لم یطق حملاً»
آن گرامیان با این علم سرشار الهی چه کردند؟ تاریخ نشان می‌دهد که با همین سرمایه خدا داد، به امر خدایشان گردن نهادند: مردم را به راه خدا فرا خواندند، به حکمت و اندرز نیکو و نیکوترین گفتمان (نحل/۱۲۸).

۴. این شاخص تمام اهل بیت بود، و همین ویژگی وجه امتیاز خاندان نور با مدعیان جانشینی پیامبر رحمت بود. گاهی مجال برای این فراخوان آسمانی یافتند و گاهی نیافتند و تاریخ، مصداق «بئر معطله» (حج/۴۵، تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۵) را در وجود معدود مردانی از جنس نور شاهد بود. آنان ظلمت را بر نمی‌تافتند و خورشید وار، از ورای ابرهای تیره، شعاع‌های خود را بر نیازمندان تابانیدند.

طبعاً کمترین مجال را برای این جهاد مقدس قدر دانستند. این است که امام ابوالحسن الرضا علیه السلام در زمانی بس کوتاه (نزدیک به سه سال) که در کاخ خلیفه به نوعی شبه زندان گرفتار بود، تهدید را به فرصت بدل کرد و کاخی بلند از «حجج رضویه» بر افراشت که هیچ باد و توفانی یارای زیان رساندن بدان نیافت. حضرتش در همان زمان بس کوتاه، خوانی معنوی گسترده که پس از گذشت سده‌های دراز، همچنان دلبستگان معارف الهیه را به سوی خود فرا می‌خواند و نیازهایشان را بر می‌آورد.

۵. راه گشایی و مشکل گشایی حضرتش در تمام زمینه‌ها - چه در زمان حیات دنیایی و چه پس از آن - به اندازه‌ای گسترده است و ابواب مختلف دارد که هر کسی به

نیازی آمده، با رفع نیاز بازگشته است. صدها روایت از راویان راست گفتار، در درازنای این سده‌ها، در جای جای دنیا، پشتوانه این مدعا است.

اما در این میان، گره‌گشایی‌های علمی و عقائدی حکایتی دیگر است و حلاوتی دیگر دارد. این خاندان، خود به ما آموخته‌اند که: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يَعْلَمَ الْمَرْءُ عِلْمًا ثُمَّ يَعْلَمَهُ أَخَاهُ» «برترین صدقه، علمی است که انسان بداند و به برادر دینی خود بیاموزد» (بحار الانوار ج ۲ ص ۲۵) و خود، میراث علمی را یکی از بارزترین مصادیق «باقیات صالحات» شناسانده‌اند (منیة المرید، ص ۱۰۳). آنان خود به همین آموزه توجه دارند و حتی کمترین لحظه‌ای را برای این مهم مغتنم می‌دانند.

۶. مشکل در اینجا است که حل نیازهای آنی فوری دنیایی به دست گره‌گشای حجت خدا، بیش از گره‌گشایی اندیشگی ذهن‌های تشنه، برای ما مهم نماید؛ یعنی که بارش باران سخاوت مادی حضرتش را بیش از زلال آسمانی حکمت‌های الهی بر کویر دلها، فرادید آوریم و این جهاد مقدس علمی را چندان جدی نگیریم.

البته همان گره‌گشایی دنیایی نیز ارزشمند است، ولی کیست که ارزش هدایت و حیانی را بفهمد و مدد رسانی دنیایی را بیش از آن ارج نهد؟ این واقعیتی است که در مرور سیره امام رضا علیه السلام، - همچون موارد دیگر - تجلی «قدرت الهی» بیش از جلوه «علم الهی» به چشم‌ها می‌آید.

۷. برای بازیابی جلوه‌های علم الهی در سیمای حجت هشتم صلوات الله علیه، به پژوهش‌های رضوی نیاز داریم. تبیین جایگاه حضرتش در برابر مدعیان، در این روزگار و هر زمان، ضرورتی است گریزناپذیر که استوارترین برهان بر حجیت حجت خدا است. تشریح باطل السحر رضوی در برابر چشم‌بندی‌های اندیشه‌نمای گروه‌ها و فرقه‌های مختلف، همواره باید در کانون توجه ما باشد. حضرتش با سلاح واژه به جنگ

نیرنگ‌های هزار رنگ آنان رفت و این حقیقت را به خوبی نشان داد که: «کلمة الله هی العلیا» (توبه / ۴۰).

در کلمات آن گرامی، چه نوری جلوه می‌کند که فردا چون امروز و دیروز، پرده‌های ضخیم ضلالت و ظلمت را می‌شکافد و به راه جویان راه می‌نماید؟

این است بایسته‌ای ناگزیر که ما را به گام نهادن در وادی پژوهش‌های رضوی کشانید. ۸. در سالهای اخیر، توجهی مبارک به این مهم شده است. نشست‌هایی پژوهشی نه تنها در کلیت حجج رضوی، بلکه در موضوعات فرعی‌تر مانند حدیث سلسله الذهب و ادعیه رضویه، طلعه‌ای خجسته است که فضایی نورانی از تبیین‌های رضوی را نوید می‌دهد. هر برنامه‌ای از این دست، افرادی تازه نفس از سپاه خردورزی رضوی را به میدان اندیشه می‌کشاند تا در این آوردگاه، صحنه‌هایی شکوهمند و دیدنی از جدال ضلالت و هدایت را شاهد باشیم.

اما آن همه حقایق و لایه‌های پنهان آنها کجا و این تلاش‌های اندک کجا؟ شایسته است به گستره جهانی بیندیشیم که سامری‌های کوچک و بزرگ، گوساله‌های خود را به میدان آورده‌اند و هر یک گروهی از افراد را دور خود گرد آورده‌اند. آنگاه به تلاش محلی خود بنگریم با دامنه کوتاه و محدود؛ سپس جایگاه خود را واقع بینانه‌تر ببینیم؛ نه از خود نومید شویم و نه به خود دلخوش باشیم. بلکه خالصانه و صادقانه پای در راه فشاریم و میدان جهاد علمی را خالی نگذاریم.

۹. فصلنامه سفینه با همکاری مخلصانه کتابخانه تخصصی امام رضا (ع) (قم) - که به مدیریت محقق گرامی جناب محسن صادقی اداره می‌شود - با احساس همین ضرورت ناگزیر، پای در راهی نهاده‌اند که از پیش به خود می‌گویند:

این وادی ای است سخت، بدو بر، مینه قدم

این لجه‌ای است ژرف، بدو در، مکن شنا

ولی انگیزه نیاز و ضرورت، ما را واداشت تا برگهایی از کتاب قطور حجج رضوی را به پیشگاه اهل نظر پیشکش آریم و عذر تقصیر بخواهیم و به خود بگوییم که: دشت سخن وسیع و سمند تو ناتوان بام سخن بلند و کمند تو نارسا

اینک چند گفتار در آستان بلند رضوی در این شماره - و اگر خدا بخواهد، دو شماره دیگر - تقدیم می‌شود؛ باشد که به هدایت جویان راه نماید و رهروان را هدایت افزایش دهد. باشد که قدمی در جهت عمل به آموزه بلند رضوی برداریم که فرمود: «رحم الله عبداً احیا امرنا» (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱ ص ۳۰۷).

۱۰. در این آشفته بازار جهانی تیره و بس آلوده، چشم امید ما به آستان بلند مهدوی است که در آستان آسمان سای او، به تعلیم رضوی در پیشگاه الهی می‌خوانیم: «اللهم اسلك بنا على يديه منهج الهدى و المحجة العظمى و الطريقة الوسطى، التى يرجع اليها الغالى و يلحق بها التالى. و قوْنَا على طاعته و ثبتنا على مشايخته و امنن علينا بمتابعته» (مصباح المتعجد ج ۱ ص ۴۱۱). سرمایه ما، اجابت همین دعا است تا آرمانهای رضوی را در سلوک راه مهدوی شاهد باشیم. آمین.